

DOI: [10.30512/KQ.2021.16292.3033](https://doi.org/10.30512/KQ.2021.16292.3033)

فرایند گذار از معادانکاری به معادباوری در سیر نزول قرآن*

نرگس قاسمی فیروزآبادی^۱

سیده وحیده رحیمی^۲

محمدکاظم رحمان ستایش^۳

چکیده

چگونگی تغییر عمیق باور مشرکان عصر نزول از انکار سرسختانه معاد تا یقین به آخرت و استقبال از مرگ در راه خدا، سؤالی در خور توجه است. چنین آیات محوری پیرامون معاد بر اساس ترتیب نزول، سبب دستیابی به فرایند تحول آفرینی و روش خاص قرآنی در نهادینه‌سازی باور به معاد در جان اعراب است. براین اساس، این پژوهش با روش تنزیلی - موضوعی به فرایند تحول آفرینی قرآن کریم در بعد معادباوری در سه مرحله دست یافته است. در اولین مرحله، قرآن کریم در نخستین سور مکی، با طرح معاد و بیان اجمالی مباحث کلیدی پیرامون آن، از بعد انگیزشی جامعه را برای پذیرش حقانیت معاد آماده ساخته است. در دومین مرحله، با ظهور مخالفت‌ها و شبهه افکنی‌ها، با ارائه احتجاجات روشن، به تخریب پایه‌های استدلالی مشرکان و تبیین معاد و اثبات حقانیت آن از بعد شناختی پرداخته است و در مرحله سوم، بعد از دوران مدنی با تبیین نقش معادباوری در رفتار مؤمنانه، در جهت تعمیق و عملیاتی ساختن معادباوری و تبیین کارکرد آن در حرکت ایمانی و رفتارسازی موحدانه گام برداشته است.

واژگان کلیدی: قرآن، تحول آفرینی، انکار معاد، طرح معاد، تبیین معاد، تعمیق معاد باوری.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱ (مقاله پژوهشی)

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / narges.ghasemi64@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران / srahi@qom.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران / kr.setayesh@qom.ac.ir

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۱- مقدمه

معاد به معنای بازگشت (راغب، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۴) به سوی پروردگار رکن اساسی در عقاید اسلامی است (سبحانی، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۶). قرآن در طی ۲۳ سال نزول تدریجی، باور اعراب را در ابعاد مختلف و از جمله حیات بعد از مرگ دگرگون و با نهادینه سازی باور معاد، ظرفیت‌های تحول‌آفرین خویش را نمایان ساخت. رخداد تحول در ساحت معادباوری گرچه امری مسلم است؛ اما اینکه این فرایند، طی چه مرحله‌ای در قرآن دنبال شد و روش قرآن برای تحول‌بخشی در بعد معادباوری و گذار از مرحله انکار معاد به یقین به معاد چه بود، مسئله‌ای است که بدان پرداخته نشده است. پرداختن به این مسئله و کشف روش قرآن در تحول‌آفرینی در گروه اتخاذ روشی متناسب با هدف پژوهش است. با توجه به نزول تدریجی آیات و تناسب مضامین سوره‌ها با جامعه مخاطب، استفاده از روش مطالعه تنزیلی - موضوعی رویکردی مناسب برای فهم فرایند گذار از انکار معاد به یقین به آن و استخراج روش خاص قرآنی در این تحول‌بخشی است. روش تنزیلی - موضوعی، به مانند سبک تفسیر تنزیلی به دنبال کشف جریان تحول فرهنگی و دینی جامعه عصر پیامبر در سیر نزول قرآن است؛ با این تفاوت که به جای بررسی محتوای آیات و سوره در ترتیب نزول سوره‌ها، هر یک از موضوعات کلیدی قرآن را بر اساس ترتیب نزول آیات آن موضوع مورد توجه قرار می‌دهد. در این روش، گزاره‌های پیرامون موضوع از آغاز تا پایان در دو برش طولی (سیر نزول) و برش عرضی (سیاق قبل و بعد هر آیه) بررسی می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۸، ص ۴).

با وجود گستردگی نگارش‌ها پیرامون معاد، بسیاری از پژوهش‌هایی که با محوریت آیات قرآن به بحث معاد پرداخته‌اند، نظیر تفاسیر موضوعی حاضر از جمله، جلد هشتم کتاب «مفاهیم القرآن» سبحانی، جلد پنجم «پیام قرآن» نوشته مکارم شیرازی، جلد چهارم و نهم «تفسیر موضوعی» از جوادی آملی و بخش سوم «معارف قرآن» مصباح یزدی با رویکرد ترتیب نزول و از بعد روشی معاد را دنبال نکرده‌اند. عمده مباحث در این تفاسیر مربوط به احوال قیامت و براهین دال بر ضرورت معاد و وقوع آن است. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که با رهیافت ترتیب نزول، به بُعد تحول‌بخشی قرآن پرداخته‌اند، هیچ کدام به صورت مشخص روند تحول‌آفرینی قرآن را در بعد معادباوری بررسی نکرده‌اند. برخی چون مهدی بازرگان در کتاب «سیر تحول قرآن» به بحث تحول در ابعاد غیر از بُعد اعتقادی پرداخته و عده‌ای چون عبدالکریم بهجت‌پور در «همگام با وحی» با رویکرد تفسیری به تحول-آفرینی قرآن در ابعاد مختلف به صورت کلی اشاره کرده‌اند؛ اما اینکه قرآن در چه فرایندی و با طی چه مرحله‌ای توانست باور معاد را در مشرکان ایجاد کند و نهادینه سازد، مسئله پژوهش حاضر است.

مطالعه حاضر کوشیده است در چهارچوب سبک تنزیلی - موضوعی، فرایند تحول‌آفرینی را در ساحت اعتقاد به معاد در میان اعراب مورد بررسی قرار دهد و مراحل گذار از نقطه انکار معاد به مرحله یقین به آن را در سیر نزول آیات پیرامون معاد به دست آورد.

مراد از ترتیب نزول در این پژوهش ترتیب سوره‌ها طبق روایت ابن عباس از میان روایات چهارده‌گانه است که تنها روایتی است که راویان آن همه موثق هستند (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵) و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید با تصحیح از روی نسخه‌های متعدد قابل اعتماد صورت یافته است (معرفت، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۳۴). قابل ذکر است، از آنجا که فرایند تحول بخشی قرآن در این پژوهش به صورت کلان در سه مرحله اصلی سامان یافته است، حتی در نظر گرفتن اختلاف روایت‌ها، در عمل جایگاه سوره را از یک مرحله به مرحله دیگر تغییر نمی‌دهد و منجر به نتیجه متفاوتی نخواهد شد.

بر پایه مطالعه حاضر در چهارچوب سبک تنزیلی - موضوعی و بر مبنای محتوای آیات کلیدی پیرامون معاد و توجه به قرائن درون آیه‌ای و سیاق آیات، سه مرحله اصلی در فرایند تحول‌سازی قرآن در باورهای مذکور به دست آمد. بین این مراحل مرزبندی دقیقی وجود ندارد؛ با این وجود، شاخص‌هایی به دست آمد که بر اساس آن تمایز مراحل سه‌گانه به خوبی روشن است. این شاخص‌ها را می‌توان در سه بُعد «محتوا»، «روش» و «هدف» دنبال کرد و بر اساس آن مرحله اول را «طرح مسأله معاد»، مرحله دوم را «تبیین و اثبات معاد» و مرحله سوم را «تثبیت و تعمیق معاد» نامگذاری کرد.

۲- مرحله اول: طرح مسأله معاد

عرب جاهلی به معاد اعتقادی نداشت و مرگ را پایان زندگی و زنده شدن پس از مرگ را نامعقول تصور می‌کرد. عمر فروخ می‌گوید: «غالب مردم جاهلی به قیامت، بهشت و جهنم ایمان نداشتند» (فروخ، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). جواد علی نیز تصریح دارد: «در نگاشته‌های اعراب جاهلی چیزی که از حیات بعد از مرگ حکایت کند، یافت نمی‌شود» (علی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۱۱۳). وی آنجا که از خصوصیات اعراب بادیه و شباهتشان با جاهلیت سخن می‌گوید، می‌نویسد: «عرب، احکام را با مقیاس مادی که بتواند حس کند و نزدش باشد درک می‌کرد. از این رو، حتی مثلاً به روح که ایمان دارد، او را در ذهن به شیئی ملموس تبدیل و تصور می‌کرد» (همان، ج ۱، ص ۲۸۶) و با این بیان، نتیجه می‌گیرد که عرب بدوی به جهان پس از مرگ، چون عالمی غیر محسوس است، توجهی نداشت (همان، ص ۲۸۷). فرایند تحول در باور به معاد را باید از این نقطه، یعنی انکار معاد شروع کرد. در قرآن کریم، مهم‌ترین مفاهیم پیرامون معاد در مرحله نخست به اجمال مطرح می‌شود و در مراحل بعد، همین مطالب تفصیل و تعمیق می‌یابد. این مباحث غالباً رویکردی انگیزشی دارند و زمینه را برای پذیرش باور معاد فراهم می‌سازد.

۲-۱- معرفی معاد

با توجه به عدم باور معاد در بین مشرکان، برای آشنایی با سیر تحول‌آفرینی در باور نسبت به جهان پس از مرگ، نخست باید دید، طرح این مفهوم در ابتدای رسالت پیامبر (ص) و در نخستین آیات نازل شده با چه روشی بوده است.

نخستین آیات پیرامون معاد، مفهوم معاد را به صورت کلی معرفی می‌کند. اولین آیه در مورد قیامت، در همان سوره نخست (علق) و بیانگر معنای معاد است. در آیه ۸ علق (شن ۱) خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾: «بازگشت، به سوی پروردگار توست». این آیه که خطاب در آن به خود پیامبر (ص) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۳۲۵) و یا به قولی همه انسان‌هاست (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۴۰۴)، نخستین تذکر قرآنی به کسانی است که در مقابل دعوت پیامبر قصد ایستادگی دارند. در این تعبیر لطیف، هم نوید است و هم هشدار. به آنان که دل در گرو خدا داده‌اند، بشارت بازگشت به سوی پروردگار پیامبر (ص) می‌دهد و به آنان که در برابر دعوت پیامبر (ص) ایستاده و برای حفظ منافع دنیایشان در برابر حق مانع تراشی می‌کنند، پیغام می‌دهد که بازگشت شما به سوی پروردگار پیامبر (ص) است و در ادامه، سخن از دشواری عذاب این گروه در روز بازگشت می‌گوید. در سوره‌های بعد، از حقانیت نظام جزاء و حسابرسی اعمال و تأثیر اعمال بر جایگاه انسان در سرای ابدی سخن گفته می‌شود. این بیان‌ها پیامی انگیزشی است که مخاطبان غافل قرآن را به اندیشیدن به آن روز و عاقبت امر خویش وادار می‌کند. آیه ۳۵ قلم (شن ۲) با بیان جمله‌ای پرسشی: ﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ (قلم: ۳۵/۶۸): آیا مؤمنان را چون مجرمان قرار دهیم؟! آیه ۴ سوره فاتحه (شن ۵) با عبارت ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ (فاتحه: ۴/۱) و اشاره به روز حسابرسی اعمال، بخشی از آیات سوره لیل (شن ۹): ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ * فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ * وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ * وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ﴾ (لیل: ۴/۹۲-۱۱) با هدف بیان این مهم که مساعی و تلاش‌های انسان در این دنیا یک جور نیست و عاقبت او نیز به تناسب همین مساعی رقم می‌خورد، در این راستا قابل تحلیل است.

۲-۲- عواقب دنیوی انکار معاد

در آیات ۲ الی ۷ از سوره ماعون (شن ۱۷)، برخی اوصاف منکران روز جزا بیان می‌شود. راندن یتیم، عدم اهتمام به طعام مسکین، سهل‌انگاری در نماز و ریاکاری از بارزترین ویژگی‌های این افراد است. این آیات را می‌توان بیان عواقب فردی و اجتماعی انکار معاد و تحریک در جهت پذیرش آن دانست؛ زیرا انکار روز قیامت، انسان را بر ارتکاب گناه در دنیا تحریک کرده و با استمرار گناه، انسان دچار قساوت قلب شده و نسبت به دیگران احساس مسئولیت نمی‌کند (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۱).

۱. این حروف، علامت اختصاری برای نشان دادن شماره سوره به ترتیب نزول است که در سراسر مقاله استفاده شده است. بر اساس این مقاله شن ۱-۳۰ مربوط به سوره‌های مرحله اول، شن ۳۱-۸۴ مربوط به مرحله دوم و شن ۸۵ تا ۱۱۴ مربوط به مرحله سوم فرایند تحول بخشی است.

تحلیل یاد شده بر اساس پذیرش این سوره به عنوان سوره مکی، بنا به جدول‌های ترتیب نزول (معرفت، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۳۶/رامیار، ۱۳۸۴، ص ۶۸۲) و نظر اکثر مفسران (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۸۶۹/صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۶۲/هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۴۷۸/سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۶۲۵/ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴، ص ۵۴۶/فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۳۰۱) و اعتقاد به نزول پیوسته سوره است؛ اما مطابق دیدگاه بسیاری از مفسران که بنا به محتوای آیات ۴-۶ درباره نمازگزاران ریاکار، این سوره را در مورد منافقان می‌دانند، این آیات محتوایی متناسب با دوران مدنی دارد (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۱۶/صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰، ص ۴۶۴/فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۴، ص ۴۴۰/حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۷۰۳). با این وجود، نگارندگان با عنایت به نکات ذیل، دیدگاه نخست را ترجیح داده و بر اساس آن، سوره ماعون را ناظر به بیان عواقب دنیوی انکار معاد در مرحله نخست تحلیل کرده‌اند:

اول: قرار دادن آن در شمار هر کدام از سور مکی یا مدنی اشکالاتی از نظر محتوا دارد که باید به شکلی توجیه و تبیین گردد.

دوم: وجود روایات ترتیب نزول و تناسب حجم سوره با سور مکی، تقویت‌کننده دیدگاه نخست است. از این-رو، برخی با عنایت به پاره‌ای دلایل قرآنی، سوره را مکی و مخاطب آن را مشرکان دانسته و در توجیه آیات ۴-۶ با ارائه ادله‌ای، به عمل عبادی مشرکان که در قرآن به عنوان نماز معرفی شده و برگرفته از سنت ابراهیم خلیل است، تمسک کرده‌اند (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۶۹۴/کلباسی اشتری، ۱۳۹۸، صص ۲۳۲-۲۳۳).

۲-۳- هشدار به آخرت‌گریزان

هشدار به آنان که دنیا را برای خود برگزیده و از حسابرسی آخرت غافل شده‌اند، در سراسر قرآن دیده می‌شود. در سوره تکوین (ش ۱۶) خداوند به کسانی که افزون‌طلبی و تفاخر، ایشان را به خود مشغول ساخته و از تفکر در مورد مرگ و بعد از آن بازداشته، هشدار می‌دهد که به زودی به خطای خویش آگاه خواهید شد و جایگاه خود را خواهید دید. تعبیر ﴿الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ﴾ (تکاوثر: ۱/۱۰۲) (ش ۱۶)، که از ماده «لَهُو» گرفته شده، نشان می‌دهد که مظاهر دنیا چگونه انسان را سرگرم می‌کند و از امور مهم اخروی که حیات جاودانه انسان به آن بسته است، باز می‌دارد (صدر، ۱۴۲۳، ص ۲۴۳). این بیان در آیات مرحله دوم و سوم با عباراتی نظیر ﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌ﴾ (محمد: ۳۶/۴۷) بارها تکرار شده است.

به کارگیری رویکرد هشداری در برخی سوره‌های مرحله نخست با توصیف هنگامه رستاخیز و صحنه‌های مختلف قیامت صورت می‌گیرد. سوره تکوین (ش ۷) به صورت خاص نمایانگر لحظه وقوع قیامت و وقوع انقلاب تام زمینی و آسمانی در هنگامه رستاخیز است (قبیسی عاملی، بی تا، ج ۵، ص ۷). بعد از آن سوره قارعه (ش ۳۰) اولین سوره‌ای است که نام آن به یکی از نام‌های روز قیامت (ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴، ص ۵۳۷/بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۹۷/حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۶۵۲) و محتوای آن به صورت کامل به حقیقت این روز و وقایع

آن اختصاص دارد (قیسی عاملی، بی تا، ج ۵، ص ۵۵). بعد از این سوره، محتوای آیات قیامت به روشنی صبغه استدلالی می‌یابد و فرایند تحول بخشی وارد مرحله دوم می‌گردد. مطالب یادشده، بیانی گذرا در مورد مرحله نخست فرایند باورسازی درباره معاد بود. هدف از این مرحله که حجم کمتری را نسبت به دو مرحله بعد در برمی‌گیرد، طرح اجمالی گزاره معاد و ایجاد زمینه روانی برای طرح مباحث عمیق‌تر درباره آن است که بیشتر با رویکرد انگیزشی انجام می‌گیرد.

۳- مرحله دوم: تبیین و اثبات معاد

بعد از مرحله اول که ناظر به انگیزه‌دهی و آماده‌سازی عموم مخاطبان برای پذیرش قیامت است، با تشدید مخالفت‌ها در برابر این پیام، فرایند ایجاد باور معاد وارد مرحله جدیدی می‌شود. در این مرحله، هدف آن است که از بُعد شناختی لزوم بازگشت به سوی خدا و نظام پاداش و عقاب به اثبات رسد و با واکاوی ریشه‌های انکار قیامت، به مقابله با آن پرداخته و شبهات پیرامون معاد پاسخ داده شود تا بهانه هرگونه انکار رفع شود و زمینه تصدیق گزاره معاد فراهم گردد. با این بیان، سوره قیامت را می‌توان به عنوان آغاز مرحله دوم فرایند تحول بخشی لحاظ کرد. سوره قیامت سی و یکمین سوره قرآن بوده که نزولش در مکه و بعد از سوره قارعه و با توجه به محتوای آن بعد از سال سوم بعثت است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۴۴۳) و نخستین سوره‌ای است که به بهانه مشرکان از تکذیب روز قیامت و انگیزه واقعی انکار معاد و راهکار مقابله با آن می‌پردازد و بعد از آن بر لزوم قیامت استدلال می‌کند (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۶۱). براساس هدف این مرحله، دو اقدام اصلی در مرحله دوم فرایند تحول-آفرینی صورت می‌گیرد:

۳-۱ - مقابله با دلایل ظاهری انکار معاد

مقصود از دلایل ظاهری، دلایلی است که خود مشرکان به استناد آن از قبول معاد سرباز می‌زدند. در واقع، این دلایل همان شبهاتی است که اغلب، توسط معاندان برای سوءاستفاده از جهل مردم و جلوگیری از ایمان آنان طراحی شده‌اند. از نخستین اقدامات در تحول بخشی باورها، شناسایی این دلایل و تخریب پایه‌های آن جهت بازگشایی عرصه ورود باور جدید است. مطالعه دلایل ظاهری بر اساس سیر نزول، بیانگر آن است که طرح این شبهات در فرایند تحول بخشی با تقدم و تأخر همراه بوده است. این شبهات گرچه اباطیل و ساخته ذهنی منکران معاد است؛ با این وجود، به دلیل اثرگذاری بر عموم مخاطبان، قرآن در مقام مقابله با آن‌ها برمی‌آید.

مقابله قرآنی در برابر این شبهات، اغلب به دو بخش «آگاهی بخشی» و «هشدار» تقسیم می‌شود. بخش نخست، روش هدایتی خداوند برای عموم مردم است که از روی جهل و به دلیل الفت‌نداشتن با امر معاد، متأثر از شبهات واردشده، معاد را بعید شمرده و انکار می‌کنند (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۲۱). بخش دوم، پاسخ کوبنده خداوند به کسانی است که با لجاجت تمام در مقابل دلایل معاد ایستاده‌اند و با انواع شبهه‌افکنی‌ها، خود و دیگران

را به هلاکت می‌کشانند. این نوع پاسخ‌های روانی، در مان‌های تکمیلی قرآن در جهت هدایت و معالجه تکذیب-گران قیامت است (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۱۱) و گستره کاربست آن در برابر تمام شبهات به وضوح دیده می‌شود. رجوع به جدول‌هایی که برای این مرحله تنظیم شده است، به روشنی گویای حجم وسیع آیات انذار در این دوره است.

۳-۱-۱- دلیل نخست: امکان نداشتن جمع‌آوری استخوان‌های پوسیده

ابتدایی‌ترین دلیل مشرکان برای نپذیرفتن معاد استناد به امکان نداشتن جمع‌آوری استخوان‌های پوسیده و آفرینش دوباره انسان‌ها پس از مرگ است. این دلیل اولین بار در سوره قیامت (ش ن ۳۱) آمده و در سوره‌های بعد تکرار شده است (ق: ۵۰/۲-۳ (ش ن ۳۴)؛ نمل: ۶۷/۲۷ (ش ن ۴۸)؛ اسراء: ۹۸/۱۷ و ۴۹/۵۰ (ش ن ۵۰)؛ سبأ: ۳۴/۷-۸ (ش ن ۵۸)؛ دخان: ۳۵-۳۴/۴۴ (ش ن ۶۴)؛ مؤمنون: ۳۷-۳۵/۲۳ (ش ن ۷۴) در برابر این دلیل، قرآن به دوروش کلی حجت اقامه کرده است:

الف) آگاهی بخشی: در جهت درک تناسب روش مقابله قرآنی با اشکال طرح‌شده، واکاوی استدلال مشرکان سودمند است. اصل استدلال مشرکان درباره اشکال نخست را می‌توان براین دو مقدمه دانست: الف) اگر تحقق معاد قطعی باشد، لازم است که ذرات موجودات بعد از مرگ، مجدد جمع‌آوری شوند و آفرینش یابند. ب) امکان جمع‌آوری ذرات موجودات پس از مرگ و متلاشی شدن وجود ندارد. نتیجه دو مقدمه این خواهد بود که معاد از نظر امکانی قابل تحقق نیست.

قرآن در مقابله با این استدلال، در بعد آگاهی‌بخشی با توجه‌دادن به نشانه‌های علم و قدرت خداوند و تمرکز بر اثبات امکان رخداد رستاخیز، مقدمه دوم باور مشرکان نسبت به امکان نداشتن تحقق قیامت را متزلزل و باطل می‌سازد. استفاده از این رویکرد، در جهت باورمندسازی آنان که تکذیبشان به سبب جهل و تأثیرپذیری از شبهات مطرح شده است، بیشترین کارایی را دارد.

- **یادآوری نشانه‌های قدرت خداوند:** مقایسه قدرت خداوند با توانایی محدود بشر و جهل به قدرت بیکران پروردگار زمینه باور به عدم امکان تحقق معاد است (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۷۵). از این رو، عمده پاسخ‌های قرآن در برابر شبهه نخست، با هدف توجه‌دادن مشرکان به قدرت بی‌حد خداوند است. استدلال بر عموم قدرت خدا با یادآوری ثبوت قدرتش در خلقت ابتدایی انسان در آیات ۳۷-۴۰ سوره قیامت (ش ن ۳۱) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۱۱۵)، ذکر نشانه‌های قدرت خداوند در آفرینش هستی و به‌ویژه، خلق آسمان‌ها و زمین در آیات ۶-۱۰ و ۳۸ سوره ق (ش ن ۳۴)، توجه دادن به احیای زمین مرده در آیه ۱۱ سوره ق (ش ن ۳۴) و ارشاد خداوند به تشابه حیات انسان بعد از مرگ به صحنه جوانه‌زدن گیاهان از زمین (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۶۸)، نمونه‌هایی ملموس از قدرت الهی است که همگی با رویکرد شناختی در راستای تخریب ریشه‌های انکار معاد از طریق زدودن شک در زمینه قدرت پدیدآورنده این رویداد عظیم است.

- توجه دادن به گستردگی علم خداوند: استدلال پیرامون عدم امکان برپایی قیامت و زنده شدن موجودات، بیش از هر چیز به عدم شناخت از قدرت خداوند باز می گردد. با این وجود، گاهی این شبهه افکنی ها علم الهی را نشانه رفته و اینگونه مطرح می شود که چگونه ممکن است بعد از مرگ و متلاشی شدن تمام بدن و تبدیل آن به خاک و مخلوط یا بخار شدن این ذرات، کسی بتواند به این ذرات علم داشته باشد تا آن ها را جمع آوری کند و دوباره بیافریند! (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۳۹/ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۲۳۰/ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۱۷۵). از این رو، توجه و تأکید بر علم گسترده الهی می تواند زداینده شبهات ناشی از این تصور باشد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۵۰۰). آیه ۴ سوره ق (ش ۳۴) به این مطلب دلالت دارد (نک: جدول ۱).

- تبیین ماهیت مرگ و بقای روح: پاسخ دیگر در برابر شبهه مشرکان استدلال به بقای روح و شخصیت انسانی است. خداوند در پاسخ به تکذیب گران حیات مجدد انسان ها، به حقیقت مرگ و شیوه دریافت جان ها توسط فرشته مرگ اشاره می کند و می فرماید: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ (سجده: ۱۱/۳۲) (ش ۷۵). برخی مفسران با عنایت به واژه «توفی»، محتوای آیه را ناظر به حفظ روح و شخصیت انسان در زمان مرگ و ملحق شدن آن به جسم در قیامت می دانند (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۳۷/ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۳۵) و معتقدند هدف آیه، بیان این حقیقت است که اساس شخصیت انسان این اجزای مادی نیست که تمام فکر شما را به خود مشغول ساخته، بلکه همان گوهر روحانی است که از سوی خدا آمده و به سوی او باز می گردد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۳۵).

ب) هشدار: در بُعد هشدار، قرآن با استفاده از سخنان موقنانه و قاطعانه به مقابله با شبهه مزبور برمی خیزد. با توجه به اینکه در موارد بسیار، انکار یک رخداد نه به دلیل نبود زمینه های آگاهی، بلکه به علت نامأنوس بودن آن است (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۲۱)، بهتر می توان دلیل به کارگیری این رویکرد را تحلیل کرد. رخداد عظیم بازگشت انسان ها بعد از مرگشان با توجه به محدودیت های ذهنی انسان در درک حقایق، امری است که باور آن سخت است. از این رو، تأکید بر وقوع این رویداد، روشی است که با ایجاد تدریجی آمادگی ذهنی، در کنار ذکر نشانه های قدرت خداوند، منجر به موجه شدن صدق وعده قیامت و احیای مردگان برای حسابرسی می شود. از آنجا که این روش، با انذار نسبت به فرجام تکذیب کنندگان همراه است، کارایی آن برای آنان که از روی عناد و با لجباجت در برابر دلایل معاد ایستاده اند، بیش از روش شناختی خواهد بود. آیات ۲۰-۲۵ سوره ق (ش ۳۴) نخستین آیاتی است که با این روش به مقابله با منکران می رود.

موضوع شبهه	روش مقابله			نام سوره	شماره آیه	شماره نزول	شماره مصحف
	آگاهی بخشی	قدرت خدا	قدرت خدا در آفرینش نخستین				
عدم امکان جمع آوری استخوانهای پوسیده	آگاهی بخشی	قدرت خدا	قدرت خدا در آفرینش نخستین	قیامت	۳۷-۳۹	۳۱	۷۵
				ق	۱۵	۳۴	۵۰
				طارق	۵-۸	۳۶	۸۶
				یس	۷۷-۷۹	۴۱	۳۶
				مریم	۶۶-۷۲	۴۴	۱۹

۵۶	۴۶	۶۲-۵۸	واقعه			
۱۷	۵۰	۵۱	اسراء			
۲۱	۷۳	۱۰۴	انبیاء			
۳۰	۸۴	۲۷	روم			
۲۹	۸۵	۲۰-۱۹	عنکبوت			
۳۶	۴۱	۸۱	یس	قدرت خدا در		
۳۱	۵۷	۳۴	لقمان	آفرینش هستی		
۳۴	۵۸	۹	سبأ			
۴۶	۶۶	۳۳	احقاف			
۷۸	۸۰	۳۳-۲۷	نبأ			
۵۰	۳۴	۱۱	ق	قدرت خدا در		
۲۵	۴۲	۵۰-۴۹	فرقان	احیای زمین		
۳۵	۱۱۱۱	۹	فاطر	مرده		
۴۱	۶۱	۳۹	فصلت			
۴۳	۶۳	۱۱	زخرف			
۱۶	۷۰	۶۵	نحل			
۳۰	۸۴	۵۰	روم			
۵۰	۳۴	۴۴	ق	آسان بودن امر		
۳۶	۴۱	۸۱	یس	حشر برای خدا		
۴۰	۶۰	۶۸	غافر			
۵۰	۳۴	۴	ق	علم خدا		
۳۴	۵۸	۳	سبأ			
۳۹	۵۹	۴۲	زمر	ماهیت مرگ و بقای روح		
۳۲	۷۵	۱۴-۱۱	سجده ۲			
۵۰	۳۴	۲۵-۲۰	ق	هدایتی	هدایتی	
۳۷	۵۶	۲۱-۱۸	صافات			
۷۹	۸۱	۴۱-۳۳	نازعات			

جدول شماره ۱: روش مقابله با شبهه عدم امکان جمع آوری بدن‌ها و استخوان‌های پوسیده

۳-۱-۲- دلیل دوم: معین نبودن زمان معاد

بهبانۀ دوم مشرکان در نپذیرفتن امر معاد، پرسش از زمان وقوع معاد است. این پرسش، نه پرسشی حقیقی، بلکه سؤال از روی استبعاد و تکذیب و استهزاء (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۱۵/ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۱۵) برای انکار اصل وقوع پدیده معاد است. بخش زیادی از آیاتی که در بردارنده این پرسش‌ها و پاسخ خداوند به آنهاست، در مرحله دوم فرایند تحول‌آفرینی قرار دارند. گرچه آیه ۶ سوره قیامت (شن ۳۱) از طرح این استبعاد در ضمن بیان اشکال نخست سخن می‌گوید؛ اما اولین بار در سوره اعراف به صراحت از این شبهه سخن می‌رود:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفَتَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَا كَيْفَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (اعراف: ۱۸۷/۷): «درباره قیامت از تو می‌پرسند که چه وقت فرا می‌رسد. بگو: علم آن نزد پروردگار من است. تنها اوست که چون زمانش فرا رسد آشکارش می‌سازد. فرارسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است، جز به ناگهان بر شما نیاید. چنان از تو می‌پرسند که گویی تو از آن آگاهی. بگو: علم آن نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

آیات ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (یس: ۴۸/۳۶) (شن ۴۱)؛ نمل: ۷۱/۲۷ (شن ۴۸)؛ سبأ: ۲۹/۳۴ (شن ۵۸)؛ ﴿يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ﴾ (ذاریات: ۱۲/۵۱) (شن ۶۷): «می‌پرسند روز جزا کی خواهد بود؟»؛ ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (انبیاء: ۳۸/۲۱) (شن ۷۳)؛ ملک: ۲۵/۶۷ (شن ۷۷): «می‌گویند: اگر راست می‌گویند، این وعده چه وقت فرا می‌رسد؟» و ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا﴾ (نازعات: ۴۲/۷۹) (شن ۸۱)، همگی ناظر به همین پرسش بهانه‌جویانه است. رویکرد قرآن در برابر این شبهه، «آگاهی‌بخشی» و «هشدار» است.

الف) آگاهی‌بخشی: گفتار مشرکان درباره معین نبودن زمان معاد را می‌توان به صورت یک استدلال منطقی واکاوی کرد. مقدمه اول این استدلال در بردارنده این مضمون است که اگر قیامت واقعاً حق است، قطعاً زمان آن باید مشخص باشد. در مقدمه دوم، مشرکان با بهانه‌تراشی‌های متعدد به نامعین بودن زمان معاد استناد می‌کنند و در نهایت، با این دو مقدمه نتیجه می‌گیرند که قیامت، به دلیل نامعین بودن زمانش تحقق نمی‌یابد. برخی از پاسخ‌های قرآنی در برابر این استدلال، با تکیه بر بُعد شناخت است. اختصاص داشتن علم زمان معاد به خدا، سنت عام خداوند در معین بودن اجل هر قوم و عدم تقدیم و تأخیر آن بنا به حکمت الهی (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۱۰۰) دو پاسخی است که بیان می‌کند، حقانیت روز جزاء منوط به معین بودن زمان آن نیست و معاد در هر حال، حق بوده و تحقق آن قطعی است (نک: جدول ۲).

ب) هشدار: بخش عمده‌ای از پاسخ‌های قرآن در مقابله با شبهه عدم معین بودن زمان قیامت به بعد اندازی باز می‌گردد. تأکید بر قطعیت وقوع معاد برای نخستین بار در آیه ۱۸۷ اعراف (شن ۳۹) در جهت توجه دادن به اهمیت اصل حسابرسی اعمال نه زمان آن، تذکر در مورد ناگهانی بودن وقوع معاد در آیات ۴۹-۵۳ سوره یس (شن ۴۱) در جهت بیان لزوم بیداری و هوشیاری همیشگی، احتمال قریب الوقوع بودن معاد و عدم ذکر دقیق زمان آن در آیه ۷۲ نمل (شن ۴۸) به دلیل ضرورت آمادگی دائمی برای این امر، وصف هنگامه قیامت و سختی عذاب در آیه ۵۳ اسراء (شن ۵۰) و دیگر آیاتی که دال بر این مضامین هستند، از مهم‌ترین عناوینی است که در این مرحله در پاسخ به شبهه مزبور بارها تکرار می‌شود (نک: جدول ۲).

فرایند گذار از معادانکاری به معادباوری در سیر نزول قرآن / نرگس قاسمی فیروزآبادی ۳۹

موضوع شبیه	روش مقابله		نام سوره	شماره آیه	شماره نزول	شماره مصحف
عدم معین بودن زمان معاد	اعطای بیش	علم مختص خداوند	اعراف	۱۸۷	۳۹	۷
			یونس	۳۴	۵۱	۱۰
			لقمان	۳۴	۵۷	۳۱
			فصلت	۴۷	۶۱	۴۱
			زخرف	۸۵	۶۳	۴۳
			انبیاء	۱۰۹	۷۳	۲۱
			ملک	۲۶	۷۷	۶۷
			نازعات	۴۴	۸۱	۷۹
	اجل معین	یونس	۴۹	۵۱	۱۰	
		سبأ	۳۰	۵۸	۳۴	
		نحل	۶۱	۷۰	۱۶	
	هشدار از عذاب قیامت	قطعی بودن وقوع قیامت	اعراف	۱۸۷	۳۹	۷
			یونس	۵۳-۵۵	۵۱	۱۰
			غافر	۵۹	۶۰	۴۰
ناگهانی بودن وقوع قیامت		یس	۴۹-۵۳	۴۱	۳۶	
		زخرف	۶۶	۶۳	۴۳	
		انبیاء	۴۰	۷۳	۲۱	
احتمال قریب الوقوع بودن		نمل	۷۲	۴۸	۲۷	
		اسراء	۵۱	۵۰	۱۷	
		غافر	۱۸	۶۰	۴۰	
		شوری	۱۷	۶۲	۴۲	
		نازعات	۴۶	۸۱	۷۹	
وصف هنگامه قیامت و سختی عذاب		اسراء	۵۲	۵۰	۱۷	
		یونس	۵۰-۵۲	۵۱	۱۰	
		ذاریات	۱۳-۱۴	۶۷	۵۱	
		انبیاء	۳۹	۷۳	۲۱	
		ملک	۲۷-۲۸	۷۷	۶۷	

جدول شماره ۲: مقابله با شبیه معین نبودن زمان معاد

۳-۱-۳- دلیل سوم: زنده نشدن گذشتگان

سومین دستاویز مشرکان عدم احیای پیشینیان بعد از مرگ بود. از نظر ترتیبی، آیات ناظر به این عذر پس از آیات مربوط به دو دسته پیش است. یعنی بعد از اینکه مشرکان در اولین قدم، اصل قیامت را به دلیل امکان نداشتن حیات دوباره موجودات انکار کردند و در گام دوم، با شبهه افکنی در مورد زمان این واقعه، سعی در نپذیرفتن اصل آن داشتند، دستاویز جدید آن‌ها این بود که اگر امر معاد واقعاً تحقق می‌یابد، برای نمونه پدران ما را زنده کنید؛ زیرا این وعده به پدران ما هم داده شد ولی آنان زنده نشدند: ﴿لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَ ءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ (مؤمنون: ۸۳/۲۳). مشرکان برای آنکه ثابت کنند، پیامبر(ص) در اثبات معاد ناتوان است، از او می‌خواستند که قصی بن کلاب را زنده کند تا او را تصدیق کنند (علی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۱۲۵). سوره دخان (ش ن ۶۴) نخستین سوره‌ای است که به این بهانه اشاره دارد. پاسخ خداوند در مورد سومین شبهه منکران معاد نیز، در دو بخش اصلی قابل بررسی است:

الف) آگاهی بخشی: شناخت و معرفت‌دهی بخشی از روش مقابله خداوند با این شبهه است. تأکید بر مالکیت و حاکمیت تام الهی در آیه ﴿قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (جاثیه: ۲۶/۴۵): «بگو: خداست که شما را زنده می‌کند، پس می‌میراند و سپس همه را در روز قیامت که شکی در آن نیست گرد می‌آورد؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» که با عنایت به آیه قبل و حاکمیت اراده خداوند بر مرگ و حیات، تعمیم بعد از تخصیص است (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۳۱۱/ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۸/ حقی برسوی، ۱۱۳۷، ج ۸، ص ۴۵۳) و حاکمیت اراده خداوند بر مرگ و حیات را نمودی از اراده مطلق او بر هستی می‌داند اولین پاسخ قرآن است و استدلال بر هدفمند بودن آفرینش آسمان و زمین و عبث‌بودن آن چنانکه از آیه ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِنَّا لَا تُرْجَعُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۱۵/۲۳) در صورت خلق پیوسته و معدوم شدن موجودات تا ابد، بدون وجود جهانی باقی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۱۲۸) پاسخ دوم خداوند در برابر استدلال مشرکان بر زنده نشدن مردگان پیشین است. اولی حجت مشرکان را گفتاری برخاسته از جهل آنان نسبت به گستردگی قدرت الهی می‌شمارد (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۵۳۶) و دومی در جهت رفع جهل آنان نسبت به حکمت الهی استدلال می‌کند.

ب) هشدار: دلالت آیه ۳۷ سوره دخان (ش ن ۶۴) بر تهدید به عذاب دنیوی و گرفتار شدن به سرنوشت اقوام پیشین، تأکید بر حتمی بودن قیامت و هشدار در مورد لحظات سخت عذاب الهی در آیات ۲۷-۲۸ سوره جاثیه (ش ن ۶۵) از جمله پاسخ‌های خداوند در مقابل احتجاج مشرکان برای زنده نشدن مردگان پیشین است. این نوع پاسخ‌ها جنبه استدلالی و توضیحی ندارد، بلکه صرفاً کلماتی موقنانه است که می‌تواند همچون تیغی تیز، پرده شک را بدرزد و اطمینان دهد که زنده نشدن مردگان شما، دلیل بر عدم وقوع قیامت نیست.

موضوع شبهه	روش مقابله	نام سوره	شماره آیه	شماره نزول	شماره مصحف
------------	------------	----------	-----------	------------	------------

۴۵	۶۴	۲۶	جائیه	مالکیت تام خداوند	اعطای بینش	زنده نشدن مردگان پیشین
۲۳	۷۴	۸۹-۸۲	مؤمنون			
۴۴	۶۴	۳۹-۳۸	دخان	هدفمند بودن نظام آفرینش		
۴۴	۶۴	۳۷	دخان	تهدید به عذاب دنیوی	هشدار و تهدید	
۴۵	۶۵	۲۷	جائیه	حتمی بودن قیامت		
۴۵	۶۵	۲۸	جائیه	سختی عذاب		

جدول شماره ۳: مقابله با شبهه عدم زنده شدن مردگان پیشین

۳-۲- مقابله با دلایل واقعی انکار معاد

ذکر دلیل اصلی و ریشه تکذیب معاد بخشی از فرایند تحول آفرینی قرآن در جهت حذف باورهای نادرست و جایگزینی باور صحیح است. قرآن در آیات ذیل با اشاره به گفتار مشرکان بر عدم توانایی خداوند بر جمع آوری استخوان‌های پوسیده، دلیل اصلی انکار قیامت را نه این گمان، بلکه تمایل مشرکان به بی‌قیدگی و رهاشدگی می‌داند: ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ * بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ * بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ * يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ﴾ (قیامت: ۷۵/۳-۶) (شن ۳۱): «آیا آدمی می‌پندارد که ما استخوان‌هایش را گرد نخواهیم آورد؟ آری، ما قادر هستیم که سر انگشت‌هایش را برابر کنیم. بلکه آدمی می‌خواهد که در آینده نیز به کارهای ناشایست پردازد. می‌پرسد: روز قیامت چه وقت خواهد بود؟».

در آیات ﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ * وَ تَذُرُونَ الْآخِرَةَ﴾ (قیامت: ۷۵/۲۰-۲۱): «آری، شما این جهان زودگذر را دوست می‌دارید و آخرت را فرو می‌گذارید» نیز، خداوند از دنیادوستی و آخرت‌گریزی مشرکان سخن می‌گوید. بر اساس این آیات، دلیل اصلی انکار معاد، شک در قدرت خداوند در جمع‌آوری خاک‌های پراکنده نیست؛ بلکه علاقه شدید انسان به دنیا و شهوات سبب می‌شود که انسان از پذیرش معاد و امر و نهی الهی-که مانع این هوس‌هاست- سرباز زند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۳۰۱) و به دلیل جمع نشدن محبت دنیا و آخرت، برای رسیدن به دنیا، جانب آخرت را رها سازد (خطیب شربینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۴۹۶).

از سوی دیگر، ایزوتسو دنیادوستی را روح اصلی جاهلیت می‌داند (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۸۹). به اعتقاد وی جاهلیت چیزی ورای این جهان نمی‌شناسد و از این رو، بر این باور است که باید در این زندگی فانی به شادمانی حداکثری پرداخت (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۹۸).

در تحلیل مطلب، اگر سخن ایزوتسو - که با گزارش‌های تاریخی که در آغاز مرحله اول بدان اشاره شد، همخوانی دارد - در کنار این آیات قرار داده شود، دو نتیجه متفاوت حاصل این قرابت خواهد بود. از سویی، قرآن کریم دنیاگرایی را عامل آخرت‌گریزی می‌داند و از سوی دیگر، شواهد تاریخی انکار آخرت را دلیل دنیاگرایی

می‌شمارد. این دو گانه را می‌توان اینگونه تحلیل کرد که اعراب از یک طرف، اعتقادی به جهان پس از مرگ نداشتند و این باور، عامل دنیا‌بسندگی و دنیاگرایی ایشان می‌شد و از طرف دیگر، به دلیل همین دنیاگرایی در برابر دلایل وقوع معاد سخت مقاومت می‌کردند (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۷۶) تا همچنان رها و بی‌قید به عیاشی خود ادامه دهند. بر این اساس، دنیاطلبی و تمایل به ولنگاری عامل اصلی نپذیرفتن معاد از سوی تکذیب‌کنندگان معاد است. به همین علت، مهم‌ترین گام در ایجاد باور به معاد، مبارزه با دنیاگرایی و تلاش در جهت حذف و کم‌رنگ شدن این عامل خواهد بود. روش‌های مقابله قرآن نیز با توجه به همین مطلب قابل تحلیل است.

۳-۲-۱- اعطای بینش در مورد برتری آخرت نسبت به دنیا

دنياگرایی و ترجیح حیات زودگذر دنیوی بنا به نظر مفسران از طبع عجول انسان و نقدگرایی او نشأت می‌گیرد (جزایری، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۹۲/شبر، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۴/آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۱۵۷). این دیدگاه با عنایت به واژه «العاجله» در آیه ۲۰ قیامت قابل برداشت است همچنانکه آیات ذیل دلالت بر همین مطلب دارند: ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾ (اسراء: ۱۱/۱۷) (ش ۵۰): «و آدمی به دعا، شری را می‌طلبد چنانکه گویی به دعا، خیری را می‌جوید و آدمی تا بوده، شتاب‌زده بوده است» و ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ﴾ (انبیاء: ۳۷/۲۱) (ش ۷۳): «آدمی شتاب‌کار آفریده شده است». در مقابله با این طبع عجولانه در این مرحله، خداوند با مقایسه بین دنیا و آخرت، برتری آخرت و ناپایداری نعمت‌های دنیا را به صورت مستمر بیان می‌کند و از مخاطبان خویش می‌خواهد که در این امر بیندیشند. مقایسه بی‌ارزشی دنیا در مقابل جاودانگی حیات اخروی، گرچه جنبه انگیزشی دارد؛ اما به عنوان مقدمه برای بحث‌های استدلالی می‌تواند با ایجاد گرایش قلبی نسبت به حیات اخروی، آمادگی ذهن را جهت پذیرش براهین مربوط به وجود آخرت بیشتر سازد (رک: جدول ۴).

۳-۲-۲- اعطای بینش در مورد ضرورت وجود جهانی و رای این دنیا

از منظر اسلام این دنیا به جهت ناپایداری، ارزش دل‌بستگی ندارد و آنچه شایسته دل سپردن است، سرای ابدی است. خروجی این دیدگاه تنظیم تمام ابعاد زندگی بر پایه اعتقاد به معاد است؛ درحالی‌که از منظر جاهلیت این جهان هدفی ندارد و بعد از این جهان نیز چیزی وجود ندارد، نتیجه این دیدگاه چیزی جز صرف تمام توان برای نهایت شادمانی و سرمستی در این جهان نیست. با این بیان می‌توان گفت تغییر دیدگاه مادی اعراب مشرک به نگرشی اخروی در گام اول در گرو اعطای بینش در زمینه هدفمندی آفرینش انسان و جهان است. چنان‌که پوچ-انگاری خلقت انسان و بی‌هدف دانستن آن عامل مؤثر در انکار معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۴۳۹)

با این بیان می‌توان گفت تغییر دیدگاه مادی اعراب مشرک به نگرشی اخروی در گام اول در گرو اعطای بینش در زمینه هدفمندی آفرینش انسان و جهان است. ذکر آفرینش انسان و هدفمندی آن، با طرح پرسشی توییحی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۰/۱۱۵) و انکاری (دروزه، ۱۴۲۱ق، ۲/۲۰۳) در آیه ۳۶ قیامت (ش ن ۳۱) با این بیان که آیا ممکن است خداوند انسان را بیهوده آفریده باشد و امر و نهی و تکلیف و حساب و عقابی در کار نباشد (آل غازی، ۱۳۸۲ق، ۱/۲۴۶)، بیهوده نبودن آفرینش آسمان و زمین با استناد به حکمت الهی در آیه ۲۷ ص (ش ن ۳۸) (طوسی، بی تا، ۸/۵۵۷ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۸/۷۳۷ / ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ۹/۱۵۱) و از طریق غایات (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۷/۱۹۶)، لزوم نظام جزای اخروی با استناد به عدالت الهی در آیات ۲۸ ص (ش ن ۳۸)، ۴ یونس (ش ن ۵۱) و ۲۲ جاثیه (ش ن ۶۵) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۷/۱۹۷ / فضل الله، ۱۴۱۹، ۱۹/۲۵۷ / مکارم، ۱۳۷۱، ۱۹/۲۶۷) و استدلال به رحمت الهی و اقتضای این رحمت برای رساندن ایمان آورندگان به رستگاری، و غیر مؤمنان به زیانکاری که آیه ۱۲ انعام (ش ن ۵۵) به آن اشاره دارد، همگی در این راستا قابل تحلیل است (نک: جدول شماره ۴).

۳-۲-۳- دعوت به تفکر

همراه با ذکر دلایل ضرورت معاد و بیان هدفمندی جهان و انسان، قرآن منکران معاد را دعوت به تفکر می‌کند. آیات ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ * أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ﴾ (روم: ۳۰/۷-۸) (ش ن ۸۴) از روشن‌ترین آیات در این باره است. در آیه ۷ از سوره روم سخن از ظاهر بینانی است که تنها افق فکرشان به محدوده دنیا تعلق دارد و از قیامت و عالم ما وراء طبیعت بی‌خبرند. در آیه ۸ خداوند در پرسشی اعتراض‌آمیز می‌فرماید: «آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند؟ خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامی معین، نیافریده است». مفسران با عنایت به محتوای این آیات، نگرش سطحی به حیات دنیا را عامل بیهوده‌پنداری (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۱۰) و در نتیجه، انکار معاد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۸۱) دانسته و ژرف‌نگری درباره عالم آفرینش را زمینه نگرش واقع‌بینانه به زندگی دنیا و هدفداری هستی و توجه به آخرت معرفی می‌کنند و از محتوای توییحی آیه این چنین نتیجه می‌گیرند که تفکر نکردن در جهان آفرینش، موجب انکار معاد می‌شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۱۱) (نک: جدول ۴).

۳-۲-۴- تهدید دنیاگرایان و تشویق آخرت‌گرایان

در آیات ۲۲-۲۵ سوره قیامت، بعد از آیات دال بر دنیاگرایی به عنوان عامل آخرت‌گریزی، خداوند سیمای دو گروه را در سرای آخرت به تصویر می‌کشد. به دیدگاه مفسران این تقسیم‌بندی ناظر به دو گروه مردم در پذیرش یا انکار معاد است (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۸، ص ۲۵۲ / آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۱۶۰ / خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۵،

ص ۱۳۳۷). این آیات، معادباوران را نوید سیمای شاد و منکران قیامت را انذار به عذابی کمرشکن در آن سرا می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، می‌توان تهدید به فرجام سخت اخروی و در مقابل، تشویق به رهایی دنیا و روی آوردن به آخرت را بخشی از روش قرآن در مقابله با دنیاگرایی دانست. به کارگیری این روش انگیزشی به عنوان پشتوانه مباحث استدلالی می‌تواند میزان اثرگذاری براهین را بیشتر سازد (نک: جدول ۴).

شماره مصحف	شماره نزول	شماره آیه	نام سوره	روش مقابله		ریشه انکار معاد
۷	۳۹	۱۶۹	اعراف	اعطای بینش در مورد برتری آخرت نسبت به دنیا		دنیاهگری و بی-قیدی
۱۰	۵۱	۲۵-۲۴	یونس			
۶	۵۵	۳۲-۲۹	انعام			
۶	۵۵	۱۳۰	انعام			
۴۰	۶۰	۳۹	غافر			
۴۱	۶۱	۴۰	فصلت			
۱۸	۶۹	۴۶	کهف			
۷۵	۳۱	۳۶	قیامت	آفرینش انسان و هدفمندی آن	اعطای بینش در مورد ضرورت وجود جهانی و رای این دنیا	
۲۳	۷۴	۱۱۵	مؤمنون			
۳۸	۳۸	۲۷	ص	بیهوده نبودن آفرینش آسمان و زمین		
۱۵	۵۴	۸۵	حجر			
۴۴	۶۴	۳۹-۳۸	دخان			
۳۰	۸۴	۸	روم	برقراری عدالت با نظام جزای اخروی		
۳۸	۳۸	۲۸	ص			
۱۰	۵۱	۴	یونس			
۴۵	۶۵	۲۲-۲۱	جاثیه	دعوت به تفکر		
۳۰	۸۴	۸-۷	روم			
۷۵	۳۱	۲۵-۲۲	قیامت	تهدید دنیاگرایان و تشویق آخرت گرایان		
۳۸	۳۸	۲۷	ص			
۱۰	۵۱	۴	یونس			
۴۴	۶۴	۵۷-۴۰	دخان			
۴۵	۶۵	۳۱-۲۸	جاثیه			
۳۰	۸۴	۹، ۱۶-۱۲	روم			

جدول شماره ۴: روش مقابله با ریشه اصلی انکار معاد (دنیاهگری)

۳-۳- اثبات معاد

بسیاری از آنچه به عنوان روش‌های مقابله با عوامل انکار معاد در بخش دلایل ظاهری و دلایل واقعی بیان شد، از زوایه اثباتی دلیل وقوع معاد نیز است. این مباحث استدلالی تحت عنوان «براهین امکان معاد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۵، صص ۱۴۳-۱۷۴) و «براهین وقوع و ضرورت معاد» (همان، صص ۲۴۹-۲۸۳) مورد بحث قرار گرفته‌اند و چنانکه بیان گردید، بیشتر این براهین در مرحله دوم تحول‌بخشی قرار دارند. جدول ذیل بیانگر این براهین و آیات مربوط به آن است:

نوع استدلال	موضوع استدلال	نام سوره	شماره آیه	شماره نزول	شماره مصحف	جایگاه سوره
امکان معاد	آفرینش نخستین	ق	۱۵	۳۴	۵۰	مرحله دوم
		اعراف	۲۹	۳۹	۷	مرحله دوم
		یس	۷۸-۷۹	۴۱	۳۶	مرحله دوم
		روم	۲۷	۸۴	۳۰	مرحله دوم
		عنکبوت	۱۹	۸۵	۲۹	مرحله سوم
قدرت خدا		یس	۸۱	۴۱	۳۶	مرحله دوم
		اسراء	۹۹	۵۰	۱۷	مرحله دوم
		غافر	۵۷	۶۰	۴۰	مرحله دوم
		احقاف	۳۳	۶۶	۴۶	مرحله دوم
		عنکبوت	۲۰	۸۵	۲۹	مرحله سوم
		ق	۱۱	۳۴	۵۰	مرحله دوم
آیات احیای زمین		اعراف	۵۷	۳۹	۷	مرحله دوم
		فاطر	۹	۴۳	۳۵	مرحله دوم
		فصلت	۳۹	۶۱	۴۱	مرحله دوم
		روم	۱۹	۸۴	۳۰	مرحله دوم
		روم	۵۰	۸۴	۳۰	مرحله دوم
		حج	۵-۶	۱۰۴	۲۲	مرحله سوم
		نجم	۴۵-۴۷	۲۳	۵۳	مرحله اول
		عبس	۱۷-۲۲	۲۴	۸۰	مرحله اول
تطورات جنین		قیامت	۳۷-۴۰	۳۱	۷۵	مرحله دوم

نوع استدلال	موضوع استدلال	نام سوره	شماره آیه	شماره نزول	شماره مصحف	جایگاه سوره
		مؤمنون	۱۶-۱۲	۷۴	۲۳	مرحله دوم
		حج	۶-۵	۱۰۴	۲۲	مرحله سوم
	آتش از درخت	یس	۸۰-۷۹	۴۱	۳۶	مرحله دوم
		واقعه	۴۶	۴۶	۵۶	مرحله دوم
وقوع معاد	برهان فطرت	قیامت	۳-۱	۳۱	۷۵	مرحله دوم
		روم	۸۴	۸۴	۳۰	مرحله دوم
	برهان حکمت	قیامت	۴۰-۳۶	۳۱	۷۵	مرحله دوم
		حجر	۸۵	۵۴	۱۵	مرحله دوم
		مؤمنون	۱۱۵	۷۴	۲۳	مرحله دوم
	برهان عدالت	قلم	۳۶-۳۵	۲	۶۸	مرحله اول
		ص	۲۸	۳۸	۳۸	مرحله دوم
		جاثیه	۲۲-۲۱	۶۵	۴۵	مرحله دوم
	برهان حرکت	قیامت	۱۲	۳۱	۷۵	مرحله دوم
		قیامت	۳۰	۳۱	۷۵	مرحله دوم
فاطر		۱۸	۴۳	۳۵	مرحله دوم	
انشقاق		۶	۸۳	۸۴	مرحله دوم	
بقره		۱۵۶	۸۷	۲	مرحله سوم	
انعام		۱۲	۵۵	۶	مرحله دوم	
برهان وحدت	نحل	۳۹-۳۸	۷۰	۱۶	مرحله دوم	
برهان بقای روح	زمر	۴۲	۵۹	۳۹	مرحله دوم	
	غافر	۴۶	۶۰	۴۰	مرحله دوم	
	سجده	۱۱	۷۵	۳۲	مرحله دوم	
	بقره	۱۵۴	۸۷	۲	مرحله سوم	
	آل عمران	۱۶۹	۸۹	۳	مرحله سوم	

جدول شماره ۵: براهین دال بر معاد

۴- مرحله سوم: تثبیت و تعمیق باور معاد

مرحله سوم، مرحله نهادینه‌سازی و عملیاتی کردن باور به معاد است، گفتمانی که بیش از تولید مفاهیم، به درونی‌سازی مفاهیم طرح شده در مراحل پیش می‌پردازد. در مرحله قبل، مهم‌ترین براهین پیرامون امکان معاد و ضرورت آن بیان گردید و شبهات پیرامون معاد مطرح شد و از نظر شناختی، اذهان جامعه برای پذیرش باور جدید اقناع گردید. اینک این باور باید در زندگی مردم تبلور یابد و رنگ زندگی را تغییر دهد. در این مرحله رنگ آیات

پیرامون معاد تغییر می‌کند. از این رو، دلالت مرکزی در آیات در بردارنده محتوای معاد در این مرحله، اثبات خود باور معاد نیست؛ بلکه به صورت گسترده، تشویق‌ها و تهدیدها در مورد جزای عملکردها در معاد است. آنچه بیشتر در این مرحله نمود دارد، محتوای آیات قیامت-مقدمه یا مؤخره- برای مفاهیم توحیدی و اخلاقی دیگر است.

بر این اساس، شروع این مرحله را می‌توان از سوره عنکبوت (ش ن ۸۵) دانست. این سوره نخستین سوره‌ای است که در آن از صدق ایمان و هزینه‌های این نعمت الهی سخن می‌گوید. از لحاظ تاریخی این سوره از آخرین سوره‌های دوران مکی است و به همین علت، آغاز این مرحله را می‌توان قریباً مقارن با هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان دانست^۱ (دروژه، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۴۶۸). در آیه ۵ این سوره خداوند خطاب به ایمان‌آوردندگان بیان می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (عنکبوت: ۵/۲۹): «کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که] اجل [او از سوی] خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا». علامه در تفسیر این آیه، با عنایت به آیات آغازین این سوره در خصوص آزمون ایمان‌آوردگان در خصوص ایمانشان می‌فرماید: «هرکس به خدا ایمان آورد، به این امید که به سوی او بازگردد و به دیدار او نائل شود، باید بداند که روز دیدار او خواهد رسید و خدا گفته‌هایش را می‌شنود و به احوال و اعمالش داناست؛ پس باید احتیاط را از دست ندهد و ایمان حقیقی کسب کند؛ ایمانی که هیچ فتنه و بلایی او را از آن برنگرداند و هیچ آزاری از ناحیه دشمنان خدا آن را سست نکند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۰۲). این بیان علامه، به روشنی تأییدکننده ادعای نگارنده مبنی بر کارکرد معادباوری در تحقق اهداف توحیدی و ایمانی در مرحله سوم است.

۱-۴- تبیین تأثیر معادباوری در تحقق اهداف ایمانی

یکی از عوامل مؤثر در تحمل سختی‌ها در راه ایمان و موفقیت در آزمون‌های الهی، اعتقاد به بازگشت به سوی خداوند است. بنابراین، در آیات متعددی در این مرحله، به تأثیر باور به معاد در پیمودن مقصد ایمان و کسب فضائل ایمانی اشاره می‌گردد. این بیان‌ها نوعی شناخت‌دهی در خصوص اهمیت باور به معاد در طی طریق ایمان است. در ادامه، به برخی از این فضائل اشاره می‌شود:

تقوا: تقوا از بالاترین درجات ایمان است. در آیه ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (بقره: ۴/۲) (ش ن ۸۷)، خداوند یکی از ویژگی‌های متقین را یقین به آخرت بیان می‌کند. علامه با توجه به واژه «یقین»، حصول تقوا را تنها در سایه یقین به آخرت ممکن می‌داند و این بیان به معنای نقش معاد در خداترسی و سلامت حرکت ایمانی است.

نماز: نماز از کلیدی‌ترین مفاهیم طرح شده در قرآن کریم است که در آیات سور مدنی به صورت خاص‌تری به آن پرداخته شده است. در آیه ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره: ۲/۲)

^۱. بر اساس جدول‌های ترتیب نزول، از سوره بقره (ش ن ۸۷) جزء سور مدنی محسوب می‌شود.

(۴۵) (شن ۸۷) خداوند امر نماز را برای همگان جز خاشعان سخت و سنگین بیان می‌کند و در ادامه، خاشعان را باورمندان به ملاقات پروردگار و روز حساب معرفی می‌کند: ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۴۶/۲). این آیه با بیان مبادی اعتقادی خشوع قلبی (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴۵) به روشنی بیان می‌کند، آنچه امر اقامه نماز را سهل و آسان می‌کند، معادباوری است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۷).

صبر: صبر در برابر سختی‌های راه ایمان و ابتلائات این مسیر از دیگر مفاهیم مطرح شده در این دوره است. در آیه ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶/۲) (شن ۸۷) خداوند در توصیف صابران در برابر مصیبت به ویژگی ممتاز ایشان در اعتقاد به بازگشت به سوی خدا اشاره می‌کند. این مؤلفه که از جهان‌بینی صابران در مورد خدا و بازگشت به او (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹۰) سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند اشاره‌ای به دلیل استقامت و راه دستیابی به صبر در برابر آزمون‌های دشوار الهی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۲۵/هاشمی رفسنجانی، همان، ص ۳۹۱).

انفاق: انفاق به سبب گستردگی کارکردش در حرکت جامعه ایمانی، در سوره مدنی جایگاهی برجسته دارد. در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ (بقره: ۲۶۴/۲) (شن ۸۷) خداوند در آسیب‌شناسی این فضیلت، ریشه انفاق ریاکارانه را عدم ایمان به خدا و روز آخرت بیان می‌کند. در مقابل این نوع انفاق، در سوره انسان (شن ۹۸) از کسانی یاد می‌شود که از ترس روز جزاء و با وجود نیاز خود، بدون هیچ چشم‌داشتی در راه خدا انفاق می‌کنند: ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾ (انسان: ۹/۷۶). تأمل در این آیات به خوبی نشانگر میزان تأثیر اعتقاد به معاد در عمل خالصانه است.

۴-۲- کارکرد تشویقی معادباوری در حرکت توحیدی

مهم‌ترین و گسترده‌ترین کارکرد آیات مربوط به قیامت در مرحله سوم معادباوری، کارکرد تشویقی این آیات برای حرکت دادن جامعه در مسیر توحید است. چنانکه بهره‌مندی از انواع نعمت‌های اخروی در صورت عمل به فرامین الهی و حرکت در مسیر عبودیت محتوای بسیاری از آیات پیرامون معاد را در این دوره در برمی‌گیرد.

ایمان و عمل صالح: ایمان به همراه عمل صالح عام‌ترین تعبیر و در عین حال، از پر تکرارترین عبارات در قرآن کریم است که اشاره به دورکن رستگاری دارد. این تعبیر بارها در سوره مدنی تکرار شده و به آنان که عمل شایسته مطابق با ایمانشان انجام می‌دهند، وعده بهشت و مغفرت و پاداش بزرگ و رضوان الهی داده شده است.

تقوا: تقوا رکنی مهم در تحقق اهداف توحیدی است. در آیات (آل عمران: ۱۳۲-۱۳۵) (شن ۸۹)، خداوند با بیان برخی از اوصاف تقوایندگان، پاداش ایشان را بهشتی به وسعت آسمان‌ها و زمین بیان می‌کند. همچنانکه به

دنبال آیات پیشین در آیات ۱۳۶ آل عمران و در آیه ۱۵ حدید (ش ن ۹۵) و ۳۵ رعد (ش ن ۹۶) با تعبیر ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ...﴾ اوصاف گسترده‌ای برای بهشت موعود پرهیزکاران بیان می‌شود.

جهاد: جهاد در راه خدا از مفاهیم جدید و پرتکرار مرحله سوم است که برای حفظ دین و استحکام جامعه توحیدی لازم است. امر جهاد، امری مقدس و در عین حال دشوار است که سختی‌های آن، گاه سبب تزلزل در مسیر ایمان می‌گردد. بنابراین در این مرحله، تشویق‌ها در مورد حیات جاودان اخروی به مسلمانان کمک می‌کند که بر مشکلات و سختی‌های جهاد غلبه کنند و حیات پر رزق ابدی را برای خود رقم زنند. شاخص‌ترین آیات در این باره، در سوره توبه (ش ن ۱۱۴) است. در آیه ۱۱۱ از این سوره، خداوند در تعبیراتی دلنشین بیان می‌کند که «خداوند از مؤمنان جان و مالشان را خریداری کرده تا در برابرش بهشت برای آنان باشد». سپس، با بیان اینکه این وعده خداوند در تورات و انجیل و قرآن است، تأکید می‌کند که کسی از خداوند به عهدش وفادارتر نیست. آنگاه، به ایشان بشارت می‌دهد که به دادوستد با خداوند شادمان باشند که همان رستگاری و پیروزی بزرگ است. این عبارات شوق‌انگیز می‌تواند بهترین محرک برای ایمان‌آوردندگان در جهت تشویق به پرداخت هزینه‌های ایمان است.

هجرت در راه خدا: هجرت در راه خدا، امری است که در مرحله سوم، مفهوم روشنی می‌یابد. ترک کاشانه و وطن امری دشوار است که گاه برای حفظ دین ضروری می‌شود. در آیات متعددی در مرحله سوم، خداوند کسانی را که در راه او هجرت کرده‌اند، می‌ستاید و به ایشان وعده پاداش الهی در سرای جاویدان آخرت می‌دهد. در آیه ﴿... فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ نُورًا مَنْ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ﴾ (آل عمران: ۱۹۵/۳) (ش ن ۸۹) خداوند به آنان که در راه خدا هجرت کرده و در این راه متحمل اذیت شده‌اند، وعده بهشت می‌دهد.

انفاق: انفاق در راه خدا و دین او در سور مدنی بارها تأکید می‌شود. در جهت تشویق به این امر، به کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند و یا قرض می‌دهند، وعده پاداش بزرگ و با ارزش داده می‌شود. سوره حدید (آیات ۱۰ و ۱۱) بارزترین سوره در این باره است که غرض آن تأکید بر انفاق در راه خدا و به خصوص انفاق در هنگام جهاد است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۵۱).

اطاعت از خدا و رسول (ص): در آیه ۱۳ سوره نساء (ش ن ۹۲) خداوند بعد از بیان احکام مربوط به ارث، تصریح دارد که این‌ها حدود الهی است و هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند، بهشت جاودانه پاداش اوست و این، رستگاری بزرگ است.

موضوع	نام سوره	شماره آیه	شماره نزول	شماره مصحف
ایمان و عمل صالح	بقره	۸۱/۲۵	۸۷	۲
	حدید	۱۲	۹۴	۵۷
	طلاق	۱۱	۹۹	۸۶
	بینه	۸-۷	۱۰۰	۹۸
	حج	۵۶/۱۴	۱۰۴	۲۲
	تغابن	۹	۱۱۰	۶۴
	توبه	۷۲-۷۱	۱۱۴	۹
تقوا	آل عمران	۱۳۵-۱۳۲/۱۵	۸۹	۳
	حدید	۱۵	۹۴	۵۷
	رعد	۳۵	۹۶	۱۳
جهاد	آل عمران	۱۴۲	۸۹	۳
	نساء	۷۴	۹۲	۴
	محمد	۶	۹۵	۴۷
	صف	۱۲-۱۱	۱۱۱	۶۱
	توبه	۲۰-۲۲/۸۸-۸۹/۱۱/۱	۱۱۴	۹
هجرت در راه خدا	آل عمران	۱۹۵	۸۹	۳
	حج	۵۸	۱۰۴	۲۲
	توبه	۲۲-۲۰	۱۱۴	۹
انفاق	بقره	۲۷۴	۸۷	۲
	حدید	۱۸/۱۱/۷	۹۴	۵۷
	توبه	۱۲۱	۱۱۴	۹
اطاعت از خدا و رسول	نساء	۱۳	۹۲	۴

جدول شماره ۶: کارکرد تشویقی آیات پیرامون معاد

۴-۳- کارکرد انذاری معاد باوری در انحراف از مسیر توحید

هشدار از عذاب در صورت نافرمانی خداوند، از مهم‌ترین روش‌های رفتارسازی در مرحله سوم است. در این مرحله در کنار انذارهایی که به کافران و منافقان یا برخی از اهل کتاب داده می‌شود، در پاره‌ای موارد، به اهل ایمان هم به سبب برخی رفتارها هشدار داده می‌شود، روشی که با استمداد از معادباوری مسلمانان، رفتار ایشان را مطابق با آموزه‌های توحیدی تنظیم می‌کند.

موضوع	نام سوره	شماره آیه	شماره نزول	شماره مصحف
ربا خواری	بقره	۲۷۵	۸۷	۲
پشت کردن به دشمن هنگام پیکار	انفال	۱۶	۸۸	۸
تهمت زدن به زنان پاکدامن	نور	۲۳-۲۴	۱۰۳	۲۴
دوستی با دشمنان خدا	مجادله	۱۴-۱۷	۱۰۶	۵۸
عدم اطاعت از پیامبر (ص)	نور	۶۳	۱۰۳	۲۴
	فتح	۱۶-۱۷	۱۱۲	۴۸
گناه و تعدی	مانده	۲	۱۱۳	۵
شکار در حال احرام	مانده	۹۴	۱۱۳	۵

جدول شماره ۷: کارکرد انذاری آیات پیرامون معاد

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله بیان شد، نتایج ذیل قابل ارائه است:

۱. از بررسی آیات محوری پیرامون معاد بر مبنای ترتیب نزول، فرایند گذار از انکار معاد به پذیرش معاد و یقین به آن و روش قرآن در تعمیق این باور به دست می‌آید؛
۲. فرایند تحول‌آفرینی در باور معاد در سه مرحله اصلی شکل یافته است. اهداف، محتوا و روش قرآن در هر مرحله از تحول‌آفرینی متناسب با جامعه مخاطب و سیر تحول‌بخشی، از مرحله قبل متمایز می‌شود؛
۳. مرحله اول، مربوط به سال‌های آغازین بعثت و مشتمل بر سوره‌های شماره ۱ تا ۳۰ (علق تا قارعه)، مرحله دوم از نظر زمانی از اواسط دوران مکی تا اواخر این دوران و در بردارنده سوره‌های ۳۱ تا ۸۴ (قیامت تا روم) و مرحله سوم، مقارن با دوران مدنی و شامل سوره‌های ۸۵ تا ۱۱۴ (عنکبوت تا توبه) است؛
۴. هدف از مرحله نخست، طرح مسئله معاد برای زمینه‌سازی ایجاد باور معاد و محتوای آیات در این مرحله، معرفی معاد و بیان اجمالی مباحث کلیدی در فرایند تحول‌بخشی در باور به معاد است. هدف از مرحله دوم، تبیین باور به معاد و محتوای آیات آن، تخریب پایه‌های استدلالی مشرکان و پاسخ به شبهات آنان پیرامون معاد است و هدف از مرحله سوم، تثبیت و تعمیق باور به معاد و محتوای آیات پیرامون معاد در این دوره، تبیین کارکرد معادباوری و استخدام معادباوری در جهت حرکت دادن جامعه در مسیر ایمان و توحید است؛
۵. در بُعد روش، رویکرد تحول‌آفرینی قرآن بر پایه تقدم مکانیزم انگیزشی بر شناختی و شناختی بر رفتاری در مراحل سه‌گانه تحلیل می‌شود؛
۶. بر اساس این نتایج، الگوی قرآنی تحول‌بخشی در باور به معاد را می‌توان بر پایه انگیزش، شناخت و رفتار ترسیم کرد. انگیزش در جهت ترغیب مخاطب به شنیدن دعوت به آخرت، شناخت در جهت متقاعدساختن

مخاطب برای پذیرش باور معاد و رفتار در جهت تعمیق و عملیاتی کردن باور معاد در ابعاد فردی و اجتماعی و ساختن جامعه ایمانی با رفتارهای مبتنی بر شناختِ مبتنی بر گرایش.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، بی تا.
۱. آل غازی، عبد القادر؛ *بیان المعانی*؛ دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
 ۲. آلوسی، سید محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبغ المثنائی*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
 ۳. ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله؛ *تفسیر ابن ابی زمنین*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
 ۴. ابن عاشور، محمد طاهر؛ *تفسیر التحریر و التنویر*؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العرب، ۱۴۲۰ق.
 ۵. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ *البحر المحیط فی التفسیر*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
 ۶. ایزوتسو، توشیهیکو؛ *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*؛ ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: نشر فرزاد، ۱۳۷۸ش.
 ۷. بغوی، حسین بن مسعود؛ *معالم التنزیل*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
 ۸. بقاعی، ابراهیم بن عمر؛ *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*؛ ج ۳، به کوشش عبد الرزاق غالب، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
 ۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ *انوار التنزیل و اسرار التأویل*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
 ۱۰. جزایری، نعمت الله؛ *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*؛ قم: نور وحی، ۱۳۸۸ش.
 ۱۱. حسینی همدانی، محمد؛ *انوار درخشان در تفسیر قرآن*؛ به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران: نشر لطفی، ۱۴۰۴ق.
 ۱۲. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی؛ *تفسیر روح البیان*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۱۳۷ق.
 ۱۳. حوی، سعید؛ *الاساس فی التفسیر*؛ ج ۶، قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ق.
 ۱۴. خطیب شربینی، محمد بن احمد؛ *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.
 ۱۵. خطیب، عبد الکریم؛ *التفسیر القرآنی للقرآن*؛ بیروت: دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ق.
 ۱۶. دروزه، محمد عزة؛ *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*؛ ج ۲، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
 ۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
 ۱۸. رامیار، محمود؛ *تاریخ قرآن*؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴ش.
 ۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *مفاهیم القرآن*؛ قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۱ق.
 ۲۰. سلیمی، هادی؛ *«تفسیر تحلیلی گزاره‌های اقتصادی در ترتیب نزول قرآن»*؛ رساله دکتری، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۸ش.
 ۲۱. سمرقندی، نصر بن محمد؛ *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
 ۲۲. شبر، عبدالله؛ *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*؛ کویت: شرکتة مكتبة الالفین، ۱۴۰۷ق.
 ۲۳. صادقی تهرانی، محمد؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*؛ ج ۲، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
 ۲۴. صدر، محمد؛ *منة المنان فی الدفاع عن القرآن*؛ بیروت: دار الأضواء، ۱۴۲۳ق.
 ۲۵. صنعانی، عبدالرزاق بن همام؛ *تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبد الرزاق*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۱ق.
 ۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
 ۲۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ *تفسیر جوامع الجامع*؛ به کوشش ابوالقاسم گرجی، قم: حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.

۲۸. _____؛ *مجمع البيان في تفسير القرآن*؛ ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبيان في تفسير القرآن*؛ بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۰. علی، جواد؛ *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*؛ ج ۴، بی جا: دار الساقی، ۱۴۲۲ق.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)*؛ ج ۳، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۲. فروخ، عمر؛ *تاريخ الجاهلية*؛ بيروت: دار العلم للملايين، ۱۳۸۴ق.
۳۳. فضل الله، سیدمحمد حسین؛ *من وحی القرآن*؛ بيروت: دار الملاك، ۱۴۱۹ق.
۳۴. فیض کاشانی، محمد؛ *الأصفي في تفسير القرآن*؛ قم: مرکز نشر التابع لمكتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
۳۵. _____؛ *تفسير الصافي*؛ ج ۲، تهران: مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۶. قیسی عاملی، محمد حسن؛ *تفسير البيان الصافي لكلام الله الوافي*؛ بيروت: مؤسسة البلاغ، بی تا.
۳۷. قرائتی، محسن؛ *تفسير نور*؛ تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۳۸. قرشی بناپی، علی اکبر؛ *تفسير أحسن الحديث*؛ ج ۲، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۳۹. قطب، سید بن قطب شاذلی؛ *في ظلال القرآن*؛ ج ۳۵، بيروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۴۰. کلباسی اشتری، زهرا؛ احمدنژاد، امیر و مهدوی راد، محمدعلی؛ *«کاوشی درباره تاریخ گذاری و مخاطب شناسی سوره ماعون»*؛ علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۸ش، صص ۲۱۷-۲۳۸
۴۱. معرفت، محمدهادی؛ *التمهيد في علوم القرآن*؛ قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهيد، ۱۴۲۸ق.
۴۲. مقاتل بن سلیمان؛ *تفسير مقاتل بن سليمان*؛ تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیام قرآن*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۹ش.
۴۴. _____؛ *تفسير نمونه*؛ ج ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۴۵. میدانی، عبد الرحمان حسن حبنکه؛ *معارض التفكير و دقائق التدبر*؛ دمشق: دار القلم، ۱۳۶۱ش.
۴۶. نکونام، جعفر؛ *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*؛ تهران: هستی نما، ۱۳۸۰ش.
۴۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ *تفسير راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۴۸. هواری، هود بن محکم؛ *تفسير كتاب الله العزيز*؛ بی جا: دار البصائر، ۱۴۲۶ق.